



نظرات علمای اهل سنت در مورد یزید و قاتلان امام حسین علیه السلام

نظرات برادران اهل سنت در مورد یزید و قتل امام حسین علیه السلام کم نیست و بخشی از آنها بدینقرار است:

نظرات برادران اهل سنت در مورد یزید و قتل امام حسین علیه السلام کم نیست و بخشی از آنها بدینقرار است:
یافعی: "و آن کس که امر به قتل حسین بن علی رضی الله عنه کرد و آن کس که او را به قتل رساند و آن کس که آن را حلال دانست و راه را برای قتل حسین بن علی فراهم داشت همه اینها کافر هستند و مستحق لعن شذرات من ذهب / ابن العماد الحنبلی: ۱ / ۶۸."

تفتازانی(شرح عقاید النفسیه): "حق این است که یزید به قتل حسین رضایت داد و او را چنین بشارت دادند و به اهل بیت رسول اهانت کرد پس لعنت خدا بر وی و بر یاران و همراهان اوست."

ذهبی: "یزید ناصبی غلیظ و تندخویی بود که اخلاق سگان را داشت و مسکر می نوشید و از هیچ معصیت و منکری روی گردان نبود. دولتش به قتل حسین آغاز گشت و به ویرانی کعبه تمام یافت (المصدر)"

ابن کثیر: "به راستی یزید پیشوایی فاسق و کافر و شایسته لعن بود. البدایه ۲۳۸/۸"

مسعودی: "و یزید مردی ستمگر و ظالم و فاسق بود و مسئول در قتل نوه رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اصحاب او رضی الله عنهم است. او آشکارا شراب می نوشید و با سگان می نشست. اخلاقش اخلاق فرعون بود. جز این که فرعون در امر رعیت مدارا بیشتر می نمود تا وی و انصاف بیشتر داشت و تدبیر بیشتر. مروج الذهب : ۳ / ۸۲"

علمای بسیار دیگر از جمله سبط بن الجوزی، القاضی ابویعلی، جلال الدین سیوطی، ابن حزم، شوکانی، جاحظ، شیخ محمد عبده و امام احمد بن حنبل همه یزید را کافر و فاسق دانسته و رای به جواز لعن یزید داده اند.

ابوحامد محمد غزالی طوسی عالم شافعی که مدرس مدرسه نظامیه ی بغداد بود فتوایی مبنی بر عدم جواز لعن یزید صادر کرد. غزالی نوشت: «دخالت یزید در کشتن حسین بن علی مسلم نیست و اگر هم باشد قتل نفس فسق است نه کفر، به علاوه ممکن است که یزید توبه کرده باشد و از همه اینها گذشته لعن انسان که سهلست، لعن حیوان هم صحیح نیست و رسم لعن و نفرین ناپسند است زیرا که خداوند لعنتگران و ناسزاگویان را دوست ندارد» غزالی هر چند فتوای منع لعن یزید را صادر کرد اما با مسامحه و پرده پوشی بر نابکاری های یزید مخالف بود. بر اعتقاد بعضی این فتوای غزالی به خاطر تعصب ناخودآگاه وی بر ضد شیعه و اصرار شیعه بر لعن یزید بود.

امیر علیشیر نوایی (م 906 ق) نیز در این زمینه سروده است :

"ای که گفתי بر یزید و آل او لعنت مکن

زان که شاید حق تعالی کرده باشد رحمتش

آنچه با آل نبی کرد او، اگر بخشد خدای

هم ببخشد مرا گر کرده باشم لعنتش"

در طول تاریخ علمای زیادی از عامه ، یزید را لعن کرده و این کار را جایز دانسته اند که از باب نمونه به چند مورد اشاره می کنیم(اینجا):

احمد بن حنبل - ابن جوزی

ان انكاره على من استجاز ذم المذموم ولعن الملعون من جهل صراح، فقد استجازه كبار العلماء، منهم الامام احمد بن حنبل (رضی الله) وقد ذكر احمد في حق يزيد ما يزيد على اللعنه اينكه منكر جايز بودن بدگویی از این شخص ناپاک و لعن کردن این شخص ملعون شده است ، گمراهی آشکار است ؛ زیرا این عمل را بزرگان علما از جمله احمد بن حنبل لعن او را جایز دانسته اند ؛ و احمد بن حنبل در مورد یزید کلامی گفته است که از لعنت نیز بیشتر است.

الردّ على المتعصّب العنيد - ص 40
اینجا

سفارینی می نویسد:

وقال الإمام الحافظ ابن الجوزي في لعنة يزيد : أجازها العلماء الورعون ، منهم الإمام أحمد رضي الله عنه غداء الألباب في شرح منظومة الآداب - ج 1 ص 122
اینجا

ابوالقاسم ابن عساكر شافعی

...وبلغ يزيد خروجه فكتب إلى عبيد الله بن زياد وهو عامله على العراق يأمره بمحاربته وحمله إليه إن ظفر به فوجه اللعين عبيد الله بن زياد الجيش إليه مع عمر بن سعد بن أبي وقاص وعدل الحسين إلى كربلاء فلقبه عمر بن سعد هناك فاقتتلوا فقتل الحسين رضوان الله عليه ورحمته وبركاته ولعنة الله على قاتله وكان قتله في اليوم العاشر من المحرم يوم عاشوراء من سنة إحدى وستين

وقتی خبر خروج امام حسين (ع) به یزید رسید ، به عبيد الله بن زياد که عامل و کارگزار او در عراق بود نامه نوشت، و او را امر نمود تا با حسين به محاربه بپردازد، و اگر بر او پیروز شد او را به سوی او بفرستد. پس عبيدالله بن زياد ملعون سپاهی به فرماندهی عمر بن سعد فرستاد . امام حسين (ع) نیز مسیر را به سمت كربلا تغییر داده و در آنجا با عمر بن سعد مواجه شدند و جنگیدند و امام حسين (عليه السلام) در آنجا کشته شدند . رضوان الهی و رحمت و برکات خدا بر او و لعنت خداوند بر قاتلش . روز به قتل رسیدن او در 10 محرم ، روز عاشورا از سال 61 هجری بود.

تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل ، ج 14 ص 213 ، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: 571 ، دار النشر : دار الفكر - بيروت - 1995 ، تحقيق : محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري

اینجا

الكتب/3170_تاريخ-مدينة-دمشق-ابن-عساكر-ج-١٤/الصفحة_213_top

سعد الدين تفتازانی

اتفقوا على جواز اللعن على من قتل الحسين أو أمر به أو أجاز به أو رضی به قال والحق أن رضا يزيد بقتل الحسين واستبشاره بذلك وإهانتة أهلي بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم مما تواتر معناه وإن كان تفصيله آحادا قال فنحن لا نتوقف في شأنه بل في كفره وإيمانه لعنة الله عليه وعلى أنصاره وأعوانه.

همه این نظر را دارند که می توان کسانی را که حسین را کشته اند یا به این کار دستور داده اند ، یا اجازه این کار را داده اند ، یا به این کار راضی شده اند را لعنت کرد . و درست آن است که یزید به قتل حسین علیه السلام راضی بود ؛ و شادی او از قتل حسین و اهانت کردن او به اهل بیت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از مطالبی است که به حد تواتر معنوی رسیده است ؛ اگر چه تفصیل آن به صورت خبر واحد نقل شده است ؛ بنا بر این ما در مورد یزید سکوت نمی کنیم ؛ بلکه حتی در کافر یا مومن بودن او شک نداریم ؛ لعنت خدا بر او و یاوران و همکارانش .

شرح العقائد التسفيه ، ص 103 ، اسم المؤلف: سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني الوفاة: 791 هـ ، دار النشر :

جلال الدین سیوطی

فکتب یزید إلى والیه بالعراق عبید الله بن زیاد بقتله فوجه إليه جيشا أربعة آلاف علیهم عمر بن سعد بن أبی وقاص لعن الله قاتله وابن زیاد معه ویزید ایضا

پس یزید برای والی اش در عراق - عبیدالله بن زیاد - دستور قتال و جنگیدن با حسین (علیه السلام) را صادر کرد و سپاهی 4000 نفره به فرماندهی عمر بن سعد به سمت او گسیل داشت ... خداوند قاتل حسین (ع) و این زیاد و یزید را لعنت نماید.
تاریخ الخلفاء ، ص 207 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی الوفاة: 911 ، دار النشر : مطبعة السعادة - مصر - 1371هـ - 1952م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : محمد محی الدین عبد الحمید
اینجا

شهاب الدین آلوسی

أعوذ بالله سبحانه من رأس الستین وإمارة الصبیان، یشیر إلى خلافة یزید الطرید لعنه الله تعالى على رغم أنف أولیائه لأنها كانت سنة ستین من الهجرة

این جمله رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم: «پناه می‌برم به خدای سبحان از ابتدای سال شصت و حکومت بچه‌ها» این جمله اشاره دارد به خلافت یزید رانده شده که علی رغم محبت دوست دارانش خداوند او را لعنت کند. چرا که او در ابتدای سال شصت هجری حکومت می‌نمود.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ، ج 6 ص 192 ، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی الوفاة: 1270هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت
http://shiaonlinelibrary.com/الکتب/2707_تفسیر-الآلوسی-الآلوسی-ج-6/الصفحة_191#top
پس از آن در جای دیگری از کتابش ، وارد میدان شده و به ادله جواز لعن یزید اشاره میکند :

وعلى هذا القول لا توقف فى لعن یزید لكثرة أوصافه الخبيثة وارتكابه الكبائر فى جميع أيام تكليفه ويكفى ما فعله أيام استيلائه بأهل المدينة ومكة فقد روى الطبرانی بسند حسن « اللهم من ظلم أهل المدينة وأخافهم فأخفه وعلیه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل منه صرف ولا عدل»... وقد جزم بكفره وصرح بلعنه جماعة من العلماء منهم الحافظ ناصر السنة ابن الجوزی وسبقه القاضي أبو يعلى، وقال العلامة التفتازانى: لا نتوقف فى شأنه بل فى إيمانه لعنة الله تعالى عليه وعلى أنصاره وأعوانه، وممن صرح بلعنه الجلال السيوطى عليه الرحمة وفى تاريخ ابن الوردى.... وهذا كفر صريح فإذا صح عنه فقد كفر به ومثله تمثله بقول عبد الله بن الزبيرى قبل إسلامه: ليت أشياخى الأبيات، وأنا أقول: الذى يغلب على ظنى أن الخبيث لم يكن مصدقا برسالة النبى صلى الله عليه وسلم وأن مجموع ما فعل مع أهل حرم الله تعالى وأهل حرم نبیه عليه الصلاة والسلام وعترته الطيبين الطاهرين فى الحياة وبعد الممات وما صدر منه من المخازى ليس بأضعف دلالة على عدم تصديقه من إلقاء ورقة من المصحف الشريف فى قدر؛ ولا أظن أن أمره كان خافيا على أجلة المسلمين،... ولو سلم أن الخبيث كان مسلما فهو مسلم جمع من الكبائر ما لا يحيط به نطاق البيان، وأنا أذهب إلى جواز لعن مثله على التعيين ولو لم يتصور أن يكون له مثل من الفاسقين، والظاهر أنه لم يتب، واحتمال توبته أضعف من إيمانه، ويلحق به ابن زیاد. وابن سعد. وجماعة فلجنة الله عز وجل علیهم أجمعين، وعلى أنصارهم وأعوانهم وشيعتهم ومن مال إليهم إلى يوم الدين ما دمعت عين على أبی عبد الله الحسين،... ولا يخالف أحد فى جواز اللعن بهذه الألفاظ ونحوها سوى ابن العربى المار ذكره وموافقيه فإنهم على ظاهر ما نقل عنهم لا يجوزون لعن من رضى بقتل الحسين رضى الله تعالى عنه، وذلك لعمرى هو الضلال البعيد الذى يكاد یزید على ضلال یزید.

بنابر این قول به خاطر کثرت اوصاف خبیثه یزید و ارتکاب گناهان کبیره‌ای که در طول ایام تکلیفش از او سر زد بالخصوص آن‌چه در ایام استیلاء و تسلطش بر أهل مدینه و مکه مرتکب گردید جای شک و تردیدی در لعن یزید باقی نمی‌ماند. طبرانی با سند حسن روایت می‌کند: «خدایا کسی را که به أهل مدینه ظلم کرد و آن‌ها را ترساند تو نیز او را برترسان و بر او لعنت خود و تمام ملائکه و مردمانت را بر او فرو فرست لعنتی که هیچ دافع و مانعی از آن وجود نداشته باشد.» و گروهی از علماء از جمله حافظ ناصر السنه ابن جوزی و قبل از او قاضی أبو یعلی به کفر او و تصریح به لعن او جزم پیدا نموده بودند، و علامه تفتازانی در

این باره می‌گوید: تکلیف یزید و ایمان او برای ما روشن است و هیچ شک و تردیدی در این باره نداریم لعنت خداوند متعال بر او و بر أنصار و أعوان یزید باد، و از کسانی که تصریح به لعن یزید نموده است جلال الدین سیوطی است و در تاریخ ابن وردی آمده است:.... و این کفر صریحی برای یزید به حساب می‌آید و اگر این صحیح باشد در حقیقت او کافر است و مثل همین است تمثیل یزید به قول عبد الله بن زبیری که قبل از اسلام سروده است و یزید آن را تکرار کرد: لیت أشیاخی بیدر شهدوا تا آخر ابیات.

به اعتقاد و نظر من و آنچه بیشتر به ذهنم می‌رسد این است که یزید شخص خبیثی بوده که هرگز به رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ایمان نداشته و آنچه که او بر اهل حرم خداوند تعالی و اهل حرم نبی اکرم علیه الصلاه و السلام و عترت طیبین و طاهرین او در زمان حیات و بعد از ممات و آنچه که از سیئات و معاصی از او سر زد کمتر از این نیست که کسی ورقی از مصحف و قرآن کریم را در نجاست بیاندازد؛ و گمان نمی‌برم کارهایی که از یزید سرزده است بر هیچ یک از مسلمانان مخفی باشد...، و بر فرض هم که بپذیریم یزید خبیث، شخص مسلمانی بوده است، او مسلمانی بوده که آن قدر گناه کبیره مرتکب شده که در بیان نمی‌گنجد، و در نتیجه اعتقاد من متعیناً جواز لعن اوست و تصور نمی‌کنم مثل او شخص با این همه فسق یافت شود، و ظاهر این است که او تا آخر عمر خود توبه نکرده، و احتمال توبه او ضعیف‌تر از احتمال ایمان اوست، و در این احکام، ابن زیاد و ابن سعد و جمعی دیگر ملحق به یزید هستند. پس لعنت خداوند عز وجل بر همه آنها و أنصار و أعوان و پیروان و هر کس که به آنها میل نموده و این لعنت تا روز قیامت و تا هر زمان که چشمی تا روز قیامت برای اُبی عبد الله الحسین گریه می‌نماید بر او،... و در جواز لعن با این ألفاظ و مانند این‌ها هیچ کس مخالفت ننموده مگر ابن عربی که قبلاً از آن سخن گفته شد... که او و بعضی از موافقین او لعن کسی را که راضی به قتل حسین باشد را جایز ندانسته‌اند، و به جانم سوگند این اعتقاد همان ضلالت و گمراهی دور از مسیر حقی است که بیش از ضلالت و گمراهی یزید است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ، ج 26 ص 72 - 74، اسم المؤلف: العلامة اُبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی الوفاة: 1270هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت